

تبيين عناصر ساختار وجودی انسان

هدف بحث

❖ دستیابی به " تزکیه نفس " با عنایت به آیات و روایات

- ▶ تزکیه (زکو) : دور کردن آنچه حق نیست و خارج کردن آن از متن سالم / دور ساختن آن چیزی که لازم است دور شود :
- ▶ برطرف کردن رذایل و بدی ها از انسان و محیط اجتماعی او
- ▶ خارج کردن حقوق مردم از مال خویش
- ▶ خارج کردن باطل از متن حق
- ▶ تطهیر: پاک شدن از پلیدی ها
- ▶ تهذیب: حاصل شدن اخلاص و صلاح
- ▶ رشد، صلاح، طهارت و از آثار و لوازم تزکیه هستند.

❖ انسان چگونه موجودی ست؟

- ▶ انسان موجودی است : آمیخته از ماده و معنا
دربردارنده طبیعت و فطرت
جمع کننده ملک و ملکوت
- ▶ مطالعه درباره انسان بدون توجه به هر دو بعد او به صورت کامل،
قطعا در معنای در نظر گرفتن بخشی از او و نادیده گرفتن بخش
دیگر است پس ناکارآمد خواهد بود
- ▶ بنابراین برای مطالعه رفتار انسان باید او را کامل شناخت تا بتوان
درباره رفتار او نظر داد.
- ▶ بی تردید آفریننده هر چیزی آگاه ترین افراد بر آن موجود است.
- ▶ و خدا به عنوان آفریننده انسان عالم ترین بر اوست.
- ▶ پس برای شناخت انسان باید سراغ انسان را از خداوند گرفت.

تحلیل مراحل وجودی انسان

□ بر اساس آیات و روایات :

- ❖ حقیقت انسان بسیط است و نه مرکب و دارای اجزا
- ❖ در ساختار وجودی انسان قوایی به عنوان گیرنده عمل می کند که منجر به علم و ادراک می شود و نیروهایی نیز بعنوان ابراز کننده عمل.
- ❖ هر تغییر در ورودی (شناخت) تأثیر خود را در همه ورودی ها و خروجی های انسان می گذارد
- ❖ اختلال در ورودی ها باعث اختلال در خروجی ها می شود و بالعکس.
- ❖ بدون مطالعه علمی و عملی آیات و روایات رسیدن به کمال برای انسان غیرممکن است.
- ❖ شیوه آیات و روایات در هدایت انسان، شیوه ذکر و فعال کردن فکر است و این بدین معناست که حقایق در انسان به ودیعه نهاده شده.

❖ کمال حقیقی انسان با علم و عمل حاصل می شود و آنگاه است که اسما الهی در او متجلی می شود.

❖ مراحل دستیابی به کمال براساس آیات و روایات:

➤ قبل از شناخت

➤ دستیابی به شناخت، معرفت، یقین و الهام

➤ تصحیح گرایش و نیازها

➤ اصلاح صفات و خلقیات

➤ عمل صالح و بالا بردن قوه عمل

➤ توجه به عاقبت نیک و هدایت به آن

قبل از شناخت

دستیابی به
شناخت

تصحیح و
جهت دهی

اصلاح

عمل صالح

توجه به
عاقبت نیک

• تفکر
• تعقل

• یقین
• الهام

• گرایش ها
• نیازها

• صفات
• خلقیات

• بالا بردن قوه
عمل

• هدایت به
عاقبت نیک

دسته بندی آیات و روایات بر اساس ساختار وجودی انسان

1. بیان قوانین ثابت هستی

2. اشاره به نحوه شکل گیری ادراک (دستیابی به علم حضوری و حصولی)

3. اشاره به مراتب فعل و عمل و خصلت ها و ذایقه های انسان

4. متوجه نمودن انسان به خود و قوا و نعمت های درونی و بیرونی اش

خروج از غفلت و نسیان و رسیدن به مرحله



ذکر

انسان

مرکب از
جسم و جان

دارای
حقیقت بسیط

مذکر یا
مؤنث نبودن
حقیقتش

حقیقتش
مغایبش
حیات

جنس: خاک/
گل چسبنده/
گل خشکیده

دارای
سرشتی ثابت

دارای قوای
گیرنده و
ابرازکننده
عمل

حصول کمال
حقیقی با علم
و عمل

کمال
حقیقی = مقام
خلیفه الهی

دارای توان
و استعداد
رشد و کمال

مهمان توان
های خود در
زندگی مادی

حقایق هستی

❖ میزان کمال و پیشرفت انسان به میزان علم و ادراک او در دنیا وابسته است.



❖ اصل علوم در وجود هر فردی به ودیعه گذاشته شده است علوم موجود در قرآن و روایات جنبه یادآوری و هدایت دارد (ذکر است)

❖ "متنوع بودن نیازها" و "دارای اجل بودن انسان" لزوم آموزش پیش

از مواجهه با نیازها

❖ آموزشهای لازم برای انسان بصورت جامع در آیات و روایات آمده است.

❖ حقایق در صورت داشتن طهارت نفس برای انسان حاصل میشود و آیات و روایات با ایجاد طهارت و پاکی، زمینه فهم علوم و حقایق را فراهم می کند.

❖ قالب ادبی آیات و روایت بیانگر حقیقت:

► جملات اسمیه با تاکید (مثلا با اء ن می آیند)

حقایقی که انسان آنها را درک می کند :

❖ حقایق مربوط به :

1. هستی
2. هستی آفرین
3. خود انسان، قوا، توان ها و ...
4. موجودات دیگر
5. قواعد زندگی کردن، رسیدن به
6. دنیا (محیط فعلی زندگی)
7. آخرت (محیط بعدی زندگی)

کمال

➤ حقایقی که در قرآن و روایات به صورت گزاره های خبری آمده است، معیارهایی برای عمل در زندگی انسان است.

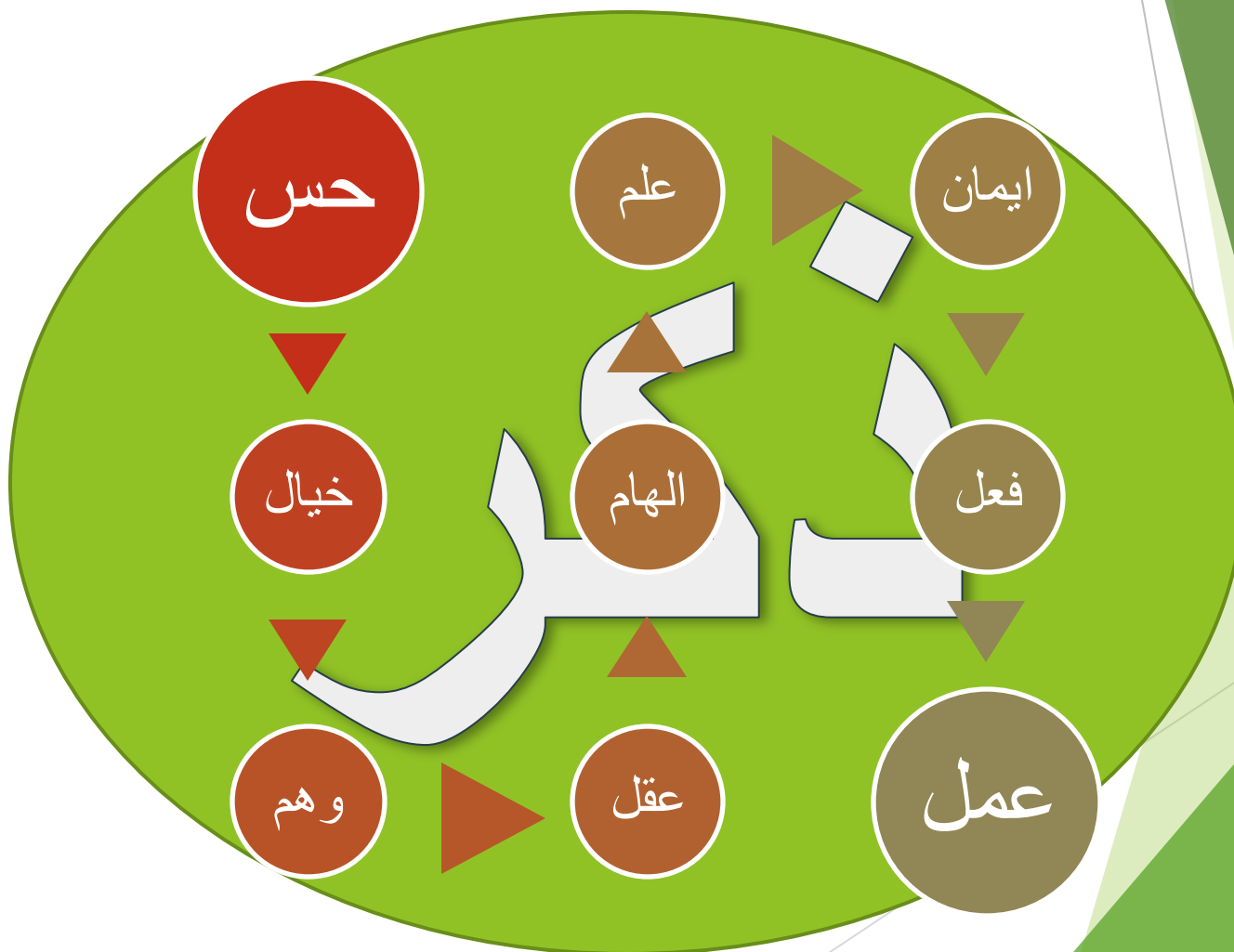
هستی آفرین

- ❖ شناخت تفصیلی خداوند امکانپذیر است اما امکان شناخت واقعی او برای هیچکس وجود ندارد.
- ❖ تنها با علم و معرفت به خداوند می توان به قرب خدا، لقای پروردگار و درک وجه الله رسید.
- ❖ شناخت تفصیلی از خداوند، ریشه و سرمنشأ همه خوبی ها برای انسان و عدم شناخت، کلید همه بدی هاست.
- ❖ برای شناخت خدا، شناخت خود ضروری است.
- ❖ فراموشی خود فراموشی خدا و بی تقوایی را به همراه دارد.
- ❖ تقویت توحید با سور: آل عمران، انعام، مسبحات، ملک، توحید و حمد
- ❖ منابع شناخت خداوند : آیات قرآن ، روایات ، ادعیه اهل بیت(ع)

❖ راه های شناخت خداوند براساس آیات و روایات (بررسی موضوعات آیات و روایات توحیدی):

1. محبوب خدا کیست و چیست (ملاک محبوبیت نزدیکی و دوری از خداوند است).
2. خداوند چه اموری را به خود نسبت داده است (خلقت پدیده ها و...)
3. بررسی صفات خداوند:
الف) دارای چه صفاتی هست (مفرد/
ترکیبی)
ب) از چه صفاتی منزّه است
4. بیان ربوبیت خداوند و اثبات الوهیت مطلق برای او (نفی الهه ها و ولد از او)

چرخه وجودی انسان



حواس

وسیله درک محیط بیرونی در عالم طبیعت و یکی از مراتب رسیدن به علم حصولی

نکته های ضروری:

- ▶ فعال کردن همه حواس
- ▶ به کارگیری درست حواس
- ▶ پاک نگاه داشتن محیط عمل حواس



بسط و گسترش
علم

چرایی و چگونگی رفتار در مرتبه "حس"

حواس در حکم ورودی و محل دریافت هستند.

شناخت انسان از محیط به وسیله حواس اوست.

انسان به واسطه حواسش با محیط اطرافش رابطه می گیرد و اطلاعات کسب می کند.

خیال

قوه تصویرگری، ایجاد قدرت درک، بینایی، شنوایی
و... در عالم مثال

نکته های ضروری:

► فعال کردن خیال

✓ پرداخت تصاویر حسی و ایجاد تصاویر جدید

✓ بازسازی صحنه های داستان ها ←

✓ بررسی حالات مختلف یک اتفاق

✓ جایگزین کردن خود به جای شخصیت های اصلی و
فرعی داستان ها

► متوقف نشدن در خیال

✓ پس از تصویرگری حرکت به سمت تفکر و تعقل

✓ استفاده از این قوه برای پند گرفتن و گذشتن

بالا رفتن تفکر
یا میزان شهود

وهم

ایجاد ارتباط بین مطالب دریافتی توسط حواس
و تصویرگری خیال و اعلام این ارتباط با گزاره های

خبری

نکته های ضروری:

► فعال کردن وهم

✓ ایجاد ارتباط بین تصویرهای ضبط
شده



✓ تولید گزاره

✓ توجه به انطباق یا عدم انطباق
گزاره های تولید شده با خارج از
ذهن

► پرهیز از ظن

✓ اکتفا نکردن به شناخت های حاصل

از گزاره های وهم

کشف حقایق جدید
یا
تولید علم

چرایی و چگونگی رفتار در مرتبه "وهم"

قوه واهمه قوه ای است که داده های حاصل از خیال به آن منتقل می شود.

این قوه دومین مرحله دریافت و پردازش اطلاعات را به عهده دارد.

قوه واهمه اطلاعات جدا و منفک از یکدیگر را از خیال دریافت کرده، میان آنها ارتباط برقرار می کند. بنابراین این قوه توانمندی ایجاد گزاره و برقراری رابطه میان داده های خام یا دسته چندم حاصل از قوه خیال را داراست.

آسیب‌های وهم

آسیب‌های وهم
در قرآن با
واژه‌های مانند
«ظنّ»،
«حسب» و
«خرص»
بیان شده‌اند که به
صورت مشترک
بر حوزه
ادراکات فرد
تاثیر منفی
می‌گذارند.

ظنّ یافته‌های
علمی مبتنی بر
وهم است از این
جهت که قابلیت
اتکای صد در
صد ندارد و به
همان تردید و
عدم قاطعیت
می‌آورد و
نتیجه‌گیری را با
تردید مواجه
می‌کند.

حسب یافته‌های
علمی مبتنی بر
ظنّ است که با
وجود اینکه
قابلیت اتکای
یقینی ندارد فرد
بر اساس آنها
محاسبه یقینی
می‌کند و بر
اساس آنها تصمیم
می‌گیرد.

خرص یافته‌های
مبتنی بر حسب
است که با وجود
متزلزل بودن به
صورت صد در
صد یقینی با آن
برخورد می‌کند تا
جایی که اصرار
در اثبات و
تحمیل آن به
دیگران دارد.

نشانه‌های آن
عبارتند از:
مشغول بودن به
کارهای تکراری
(روزمرگی)،
بی‌هدفی و تنوع
طلبی شدید،
خودبرتر بینی و
قدرت طلبی،
زیاده خواهی
است.

عقل

ایجاد ارتباط بین تصاویر و مفاهیم با حقایق کلی و حقیقی

نکته های ضروری:

▶ فعال کردن قوه تعقل

✓ معتبر ندانستن گزاره های وهمی

✓ باقی نماندن در میان گزاره های جزئی

✓ میزان کردن ارتباط بین ←

پدیده ها (گزاره ها) با معیارها

✓ اطلاع از معیارهای حقیقی

✓ خیر شناسی و خیرگزینی

✓ تمایز بین هست ها و هست

نماها

✓ فهم بینه و خارج شدن از

ابهام

▶ پرهیز از شک، وسوسه، ریب یا بددلی، طبع

مواجهه انسان با رخداد

1. درک حسی

2. درک خیالی

3. درک وهمی عناصر مرتبط

4. توجه به گزاره های حقیقی مرتبط

5. تصمیم

6. عمل

رسیدن به بینة و
آشکار شدن حقیقت
رخداد



علم

احاطه و حضور بر چیزی

نکته های ضروری:

- ▶ ابتدا نهفته است، به معنای اقتضای برای آموختن
- ▶ استفاده از دنیا به عنوان محلی برای بیرون شدن از نهفتگی
- ▶ انجام اعمال نیک، سبب خروج از نهفتگی
- ▶ مهمترین نهفتگی انسان درباره شناخت خود است.
- ▶ سودمندترین علوم، شناخت خود است.
- ▶ دریافت و ابراز وسیله ای برای بیرون رفتن از نهفتگی است. (حیات)
- ▶ علم و ادراک علم، رزق معنوی است.

► علم حصولی: علم و ادراکی که با حواس به انسان منتقل می شوند.

► علم حضوری: علم و ادراکی که در وجود انسان قابل مشاهده است و جزئی از وجودش می باشد.

► اصالت با علم حضوری است و علم حصولی نردبان و وسیله ای برای دست یافتن به علم حضوری است.

► آسیب های علم: ظن، شک، ریب، حسب و...

► تقویت علم: شعر، فهم، فقه، بصر، یقین، معرفت، برهان، شهد، خبر، نبأ، حکم

لقاء پروردگار
و درک وجه الله



فکر

ارتباط دهنده بین تصاویر ضبط و پرورده شده در
انسان و ارتباط دهنده بین گزاره های خبری جزئی و
کلی

نکته های ضروری:

► تقویت تفکر

تعیین راه های
متعدد



✓ تقویت حواس، خیال، وهم

✓ افزایش علم به گزاره های عقلی

✓ انجام رفتارهای شایسته و خیر

✓ بالا بردن میزان تعبد

✓ قرار دادن خود در جایگاه های متعدد زندگی در

داستان های قرآنی

✓ استفاده از انواع استفهام

چرایی و چگونگی رفتار در مرتبه " فکر "

قوه تفکر، نیروی تحرک، پویایی و رسیدن به معرفت و آماده سازی برای تشخیص است. فکر مجری ارتباط بین تصاویر پردازش شده در وجود و رابطه گزاره های جزئی و کلی است.

فکر با حرکت بین قوای ادراکی (حس، خیال، وهم، عقل) زمینه ساز علوم و ادراکات و به تبع آن عمل، رفتار و صفات جدید است و به کارگیری درست این قوه به پیدایش علوم جدید می انجامد.

فکر عامل هماهنگی مُلک با ملکوت است ("ذکر" عامل هماهنگی ملکوت با مُلک) و حرکت توأم فکر و ذکر موجب پیشرفت انسان به سوی کمال میشود. مُلک: قوای ادراک حسی و قوای تحریکی انسان است/ ملکوت: روح دمیده شده از جانب خدا در انسان است.

فکر

تفکر بعنوان آینه
ای صاف انسان
را از وجه
ملکوتی خود
مطلع میکند.

هدایت انسان
وابسته به تفکر
است
و از آنجایی که
قرآن برای
هدایت انسان
نازل شده است،
همه آیات و
روایات مربوط
به تفکر و تقویت
کننده آن هستند.

در مواجهه با
مسائل زندگی:
قوه تفکر: تعیین
راه های متعدد
قوه تعقل:
تشخیص درستی
راه
قوه ملهمه: ورود
یا عدم ورود به
آن مسیر

قوانین درست
فکر کردن در
علم منطق
موجود است.

(وجود فکر و
نحوه فعالیت آن
در همه انسان ها
ثابت و یکسان
است.)

عبرت: نوعی
تفکر که باعث
پندگرفتن از
گذشتگان میشود.

از شیوه های
شکوفایی تفکر
در قرآن و
روایات انواع
استفهام است.

شیوه های دعوت به تفکر در آیات و روایات:

- ▶ ارجاع به گزاره های بدیهی با دقت در مشاهدات
- ▶ ایجاد مقایسه بین دو وضعیت
- ▶ استفاده از داستان و مثال
- ▶ تغییر خطابهای قرآن از غایب به حاضر و بالعکس
- ▶ قرار دادن محذوفات
- ▶ تبیین آثار، ابزار، لوازم و غایت تفکر
- ▶ توصیف انسانهایی که از این قوه استفاده کرده اند.

الهام

توفیق دریافت غیب در انسان به واسطه القاء درونی
از جانب خداوند

نکته های ضروری:

► فعال کردن الهام

✓ افزایش میزان طهارت

✓ نزدیک شدن به افق دید و اعمال انسان کامل

✓ دانستن ساختار ملائکه

✓ تعقل و تفکر

✓ بهره برداری از تعقل و تفکر و علم و...

✓ رسیدن به گزاره های عقلی

✓ ذاکر شدن به معنای دوری از نسیان و غفلت

► دوری از ارتکاب گناه

پدیدار شدن بایدها
و نبایدهای الهی

چرایی و چگونگی رفتار در مرتبه " الهام "

قوه الهام قوه ای است که در صورت فعال شدن قوه عقل و ایجاد ادراکات علمی ناشی از آن فعال می شود.

الهام محل اتصال ساختار وجودی انسان با ملکوت است و محل دریافت شهود و علم شهودی می باشد.

قوه ملهمه قوه ای که قدرت ادراک فجور و تقوا را داراست و به وسیله تفکر و تعقل و به وسیله تغییر صحیح در معلومات حصولی فعال می شود. گزاره های حاصل از این قوه جزئی و باید و نبایدی است و فرد را در انجام تکلیف یاری می رساند و به او قدرت تصمیم گیری لحظه به لحظه می دهد.

الهام

الهام توانمندی
ساختار انسانی
در ارتباط لحظه
به لحظه با
فطرت است.

این واژه تنها یک
بار در قرآن آمده
است. بر اساس
آیه شریفه بعد از
تسویه نفس
انسان، فجور و
تقوا به انسان به
الهام شده است و
اگر کسی این
تسویه را حفظ
کند قطعاً به
نتیجه مطلوب
دست خواهد
یافت.

حفظ تسویه نفس
به واسطه تزکیه
آن رخ می‌دهد و
در نتیجه تزکیه
قوه الهام که
تشخیص دهنده
لحظه به لحظه
فجور از تقوا به
سهل‌ترین شیوه
است ممکن
خواهد شد.

اما اگر فردی
نفس خود را
تزکیه نکند این
توانمندی نفسانی
خود را
می‌پوشاند و
قدرت تشخیص
خود را از دست
می‌دهد و دچار
ابهام و
سرگردانی
می‌شود.

الهام قوه‌ای است
که باید تحت
تربیت وحی قرار
گیرد.

ایمان

پذیرش علم عقلانی و متقن و ایجاد آرامش و امنیت در
وجود انسان

نکته های ضروری:

► تقویت ایمان

- ✓ علم تفصیلی به جای علم اجمالی
- ✓ علم به صفات و اسماء الهی
- ✓ مطالعه همراه با تدبر قرآن
- ✓ عمل به علم (دانسته های قطعی)
- ✓ اطاعت و فرمانبرداری از خداوند

► تضییع ایمان

✓ اعتماد به ادراک های حسی، خیالی و وهمی (حس گرایی)

✓ در نظر گرفتن منافع به ظاهر نقد دنیوی

✓ رجوع نکردن به علم حقیقی و فطری

✓ غفلت از اسماء حسنی الهی

✓ عمل نکردن به دانسته های قطعی

✓ ارتکاب گناه

✓ تبدیل علم به عمل

✓ رسیدن به حس رضایتمندی در

زندگی

✓ برخورداری از محبت و مودت



چرایی و چگونگی رفتار در مرتبه "ایمان"

ایمان عبارتست از پذیرش علم عقلانی و متقن که مایه آرامش و امنیت است.

ایمان عنصری است که چرخه علم را به چرخه عمل وصل می کند.

داده های پذیرفته شده در مرتبه علم که به محک عقل صحت شان مورد تایید واقع شده است پس از پذیرش ایمان را می سازند که به صورت صد در صد محرک و انگیزاننده فرد به سمت شکل گیری عمل هستند.

فعل

باطن عمل انسان، شامل اراده، نیت، قصد، عزم و ایمان

نکته های ضروری:

► تقویت فعل

✓ تقویت اراده، نیت، قصد، عزم و ایمان

عمل صالح



► آسیب های فعل

✓ کسالت و تنبلی

✓ عجله

چرایی و چگونگی رفتار در مرتبه " فعل"

فعل به مقام باطنی عمل اشاره دارد که دربردارنده مراتبی چون نیت، قصد، عزم و اراده برای بروز عملی است.

مقام فعل مقام تحقق اراده فرد برای انجام فعل است.

بعد از اینکه داده های علمی گنجینه ایمان را ایجاد کرد محرک لازم برای شکل گیری به صورت فعل خود را نشان می دهد. مقام فعل در واقع به مرحله تحقق و جمع اراده درونی فرد برای انجام عملی اشاره دارد که اگر به عوامل محیطی لازم برای بروز آن جمع شود بروز خواهد کرد.

❖ خصلت ها، ملکات، شاکله، حالات (مبنای بسیاری از اعمال انسان)

نکته ها ضروری:

- ▶ کنترل حالات بر اساس مرز اوامر و نواهی الهی
- ▶ کاهش تأثیر پذیری از حالات
- ▶ جایگزینی تفکر و تعقل در مقابل حالات به عنوان مبنای عمل (ایجاد صفات نیک)
- ▶ به مجموعه صفات، خلیات گویند.
- ▶ ملکات، تسلط خلیات بر رفتار انسان هستند.
- ▶ مجموعه ملکات، خصال و خلیات به شاکله تعبیر شده است.
- ▶ شاکله طیب با نزدیک شدن به ذوات مقدسه اهل بیت علیهم السلام ایجاد می شود.

عمل

تأثیر گذار در سعادت و شقاوت انسان و تثبیت علم و ایمان

نکته های ضروری:

► عمل شایسته (صالح)

✓ تقویت شناخت

✓ انجام به موقع عمل

► عمل ناشایست

✓ شناخت ناقص

✓ علم همراه با ابهام

✓ عدم مراجعه به علم

چرایی و چگونگی رفتار در مرتبه عما، "

عمل عبارتست از مجموعه آنچه از انسان سر می زند و از او بروز می یابد.

عمل به مجموعه خروجی ها یا صدورات انسان اشاره دارد.

این مرحله در واقع مرحله پایانی چرخه ساختار وجودی انسان است که در آن آنچه در نتیجه تحلیل و پردازش خیال و وهم، محک عقل خورده و تبدیل به ایمان شده و محرک لازم برای بروز فعل را فراهم آورده نهایتاً به بروز رسیده است و عینیت خارجی قابل رؤیت برای دیگران غیر خود فرد را یافته است.

توجه نفس (ذکر)

نیروی درک کننده و عهده دار مدیریت قوا

نکته های ضروری:

▶ تقویت توجه درونی

✓ شناخت قوا و توان ها

✓ تمرکز و دقت لازم در به کارگیری قوا

✓ تنظیم و فراهم سازی معیارهای ضروری بدیهی

✓ مراجعه به موقع به معیارها

چرایی و چگونگی رفتار در مرتبه "ذکر"

ذکر یا توجه نفسانی نیروی مدرکه ای است که عهده دار مدیریت تمامی قوای انسان است.

این بخش بر تمامی بخشهای ساختار انسان احاطه دارد.

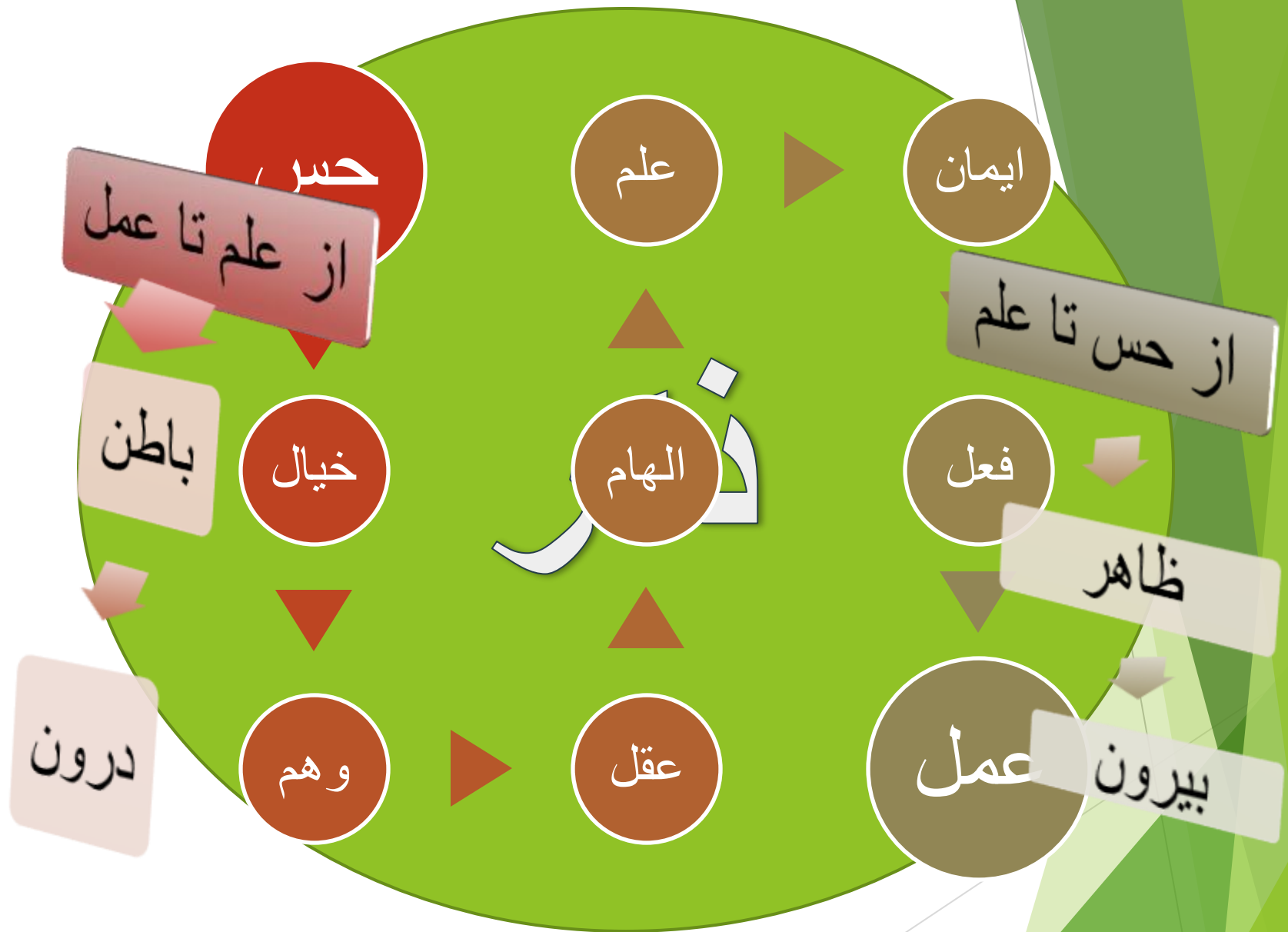
در واقع تمامی آنچه که جزو قوای ساختار وجودی انسان محسوب می شوند تحت احاطه و کنترل این قوه قرار دارند و بسته به جهت گیری و سطح فعالیت و بهره برداری از این قوه کارآیی پیدا می کنند به نحوی که می توان انسان را ذکر یا غفلت دانست.

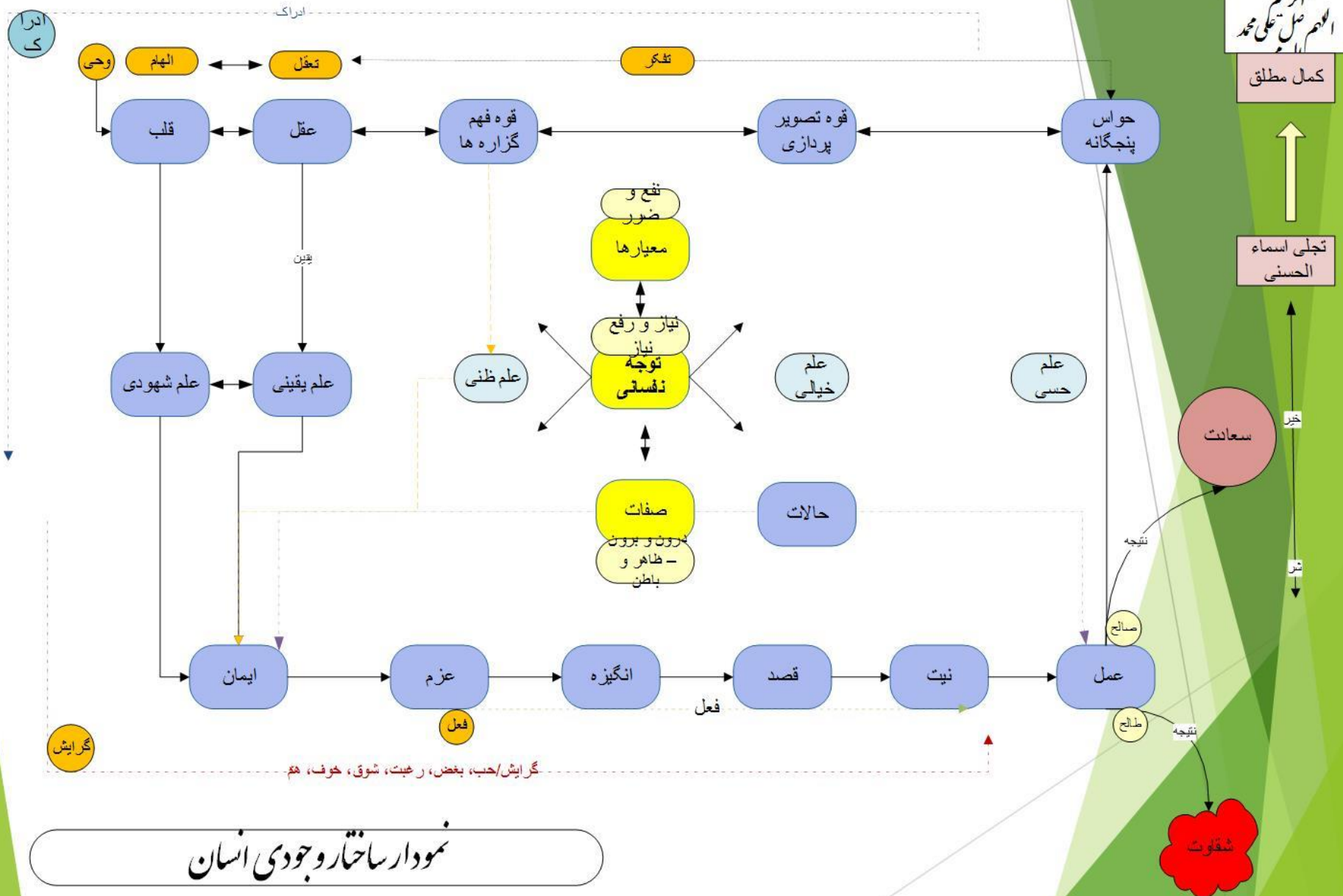
بنابر این

انسان موجودی
است از حس تا
علم و از علم تا
عمل

و انسان یعنی
توجه نفسانی که
بسته به جهت
گیری اش تمامی
قوای او را تحت
مدیریت و
خدمت خود در
می آورد.

اگر جهت این
توجه به سمت
خدا قرار گیرد
ذیل ولایت الهی
و در غیر این
صورت ذیل
ولایت شیطان
قرار می گیرد.





الحمد لله الذي جعل في القرآن الكريم آياتاً كثيرة تدل على أن الله تعالى هو الذي خلق كل شيء وخلق الإنسان من نوره المستطير.

Basmala (Bismillah) in a highly stylized, three-dimensional font.